



شب‌های پیشاور

علی مختاری

اسلام - که سر بر آستان آمریکا می‌سایند - هزینه‌های هنگفت سمپاشی علیه اسلام انقلابی و زنده را بر عهده دارند و به هوای حفظ ریاست خویش از تحریک و تشویق قلم به دستان نابخرد کوتاهی نمی‌کنند و از آن جاکه پیروان علی علیه السلام زیر بار ظلم نمی‌روند، هدف تیر تهمت‌عاملان استعمار بوده و خواهند بود.

شیعه به پیروی از رسالت و امامت، خواهان اتحاد و همکاری همه مسلمانان و ایستادگی در برابر دشمنان اسلام است و بزرگان تشیع به سایر مذاهب جسارت

شب‌های پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی، دارالکتب الاسلامی تهران، چاپ ۳۳، ۱۳۶۸، گالینگور، ۱۰۵۹ ص. شب‌های پیشاور ده شب مناظره یک مبلغ شیعی، مشهور به سلطان الواعظین شیرازی، با سه نفر از بزرگ‌ترین عالمان هند و پاکستان است. تهاجم و تبلیغ علیه اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام همواره بوده و هست و متأسفانه به شدت ادامه دارد. گذشته از تلاش‌های تفرقه افکن استکبار جهانی به ویژه آمریکا و صهیونیست‌ها، برخی از رؤسای جهان

نمی‌کنند و شرط اتحاد را پاس می‌دارند، نشانه‌اش سیر کتاب‌های عقیدتی شیعه است که تنها به دفاع و پاسخگویی به شبهه‌ها پرداخته‌اند.

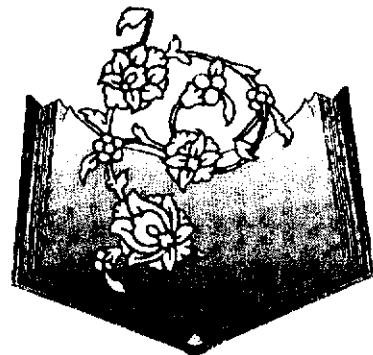
شبهه‌های دشمنان همه جا پراکنده است و اختصاص به مناطق خاصی در کشور ندارد. از این رو مبلغ باید به این مسائل آگاه باشد و برای روحانیون شرق و غرب کشور، این مباحث ضرورت بیشتری دارد.

برای آشنایی با مکاتب و عقاید مذاهب راه‌های گوناگونی وجود دارد. منصفانه‌ترین راه، طریقی است که سلطان الواعظین و سید شرف‌الدین‌ها رفته‌اند. زیرا با مشارکت روحانیون دو مذهب، جلساتی سامان یافته و گذشته از بالا بودن میزان راستی و صحت و اعتبار نسبت‌ها، گفتمانی در جوّی صمیمی و با احترام برگزار می‌کردند.

از ویژگی‌های این اثر، حالت داستانی داشتن آن و صبغه تاریخی داشتن بسیاری

از مباحث است و زبان تبلیغی و همه‌کس فهم‌گوینده نیز بر حلاوت کتاب افزوده است. سرآغاز این مناظره‌ها، مقدمه‌ای در ۸۶ صفحه بدین مضمون است: پس از ورود به کراچی - پایتخت آن روز پاکستان - خبر ورود داعی را جراید مهمت نشر دادند... در هر کجا که وارد می‌شدیم با تجلیات بی سابقه ملی مورد استقبال واقع و در غالب این شهرهای مهمت از طرف علمای ادیان و مذاهب باب مناظرات باز [باز می‌شد]. از جمله مجالس مهمت، مناظره‌ای بود که با علمای هند و براهمه در شهر دهلی، با حضور گاندی پیشوای ملی هند واقع شد که در جراید مفصلاً درج گردید... چون اصرار بر حرکت به سمت ایران داشتیم، از اطراف نامه‌های دعوت می‌رسید و از طرف رجال مهمت شیعه پنجاب به پیشاور - که آخرین شهر مهمت سر حدّی پنجاب به افغانستان است - دعوت شدم... عصرها در امام باره (حسینیه) عادل بیک و سالدار، مجلس مهمتی تشکیل و با حضور صاحبان ادیان و مذاهب مختلفه ادای وظیفه می‌نمودم.

چون اکثریت [مردم] پیشاور از برادران اهل تسنن هستند، در مدت سه ساعت که منبر بودم، روی سخن با آن‌ها بود... پس از منبر شب‌ها در مجلس خصوصی ساعاتی به مناظره می‌گذشت. روزی پس از منبر، خبر دادند: دو نفر از اکابر علمای کابل به نام‌های حافظ محمد رشید و شیخ عبدالسلام وارد





۱۲۰

سال یکم / شماره یازدهم

شده‌اند و تقاضای ملاقات نمودند، ده شب پی در پی پس از نماز می‌آمدند و در هر شب ساعاتی ممتد - که غالباً به ۶-۷ ساعت می‌کشید و بعضی شب‌ها تا مقارن طلوع فجر، وقتان به مباحثات و مناظرات می‌گذشت. در پایان، ۶ نفر از رجال و ملاکین و اصناف محترم اهل تسنن مذهب حقه تشیع اختیار نمودند» [ص ۹۴-۹۲ با اختصار]

چاپ این اثر

پس از بیست سال، مرحوم شیرازی - که از خود در این کتاب به «داعی» تعبیر می‌کند - تهاجم برخی روشنفکران که دل در کمند بیگانگان، دست در کیسه پهلوی و زبان و قلم بر ضد ارزش‌های این مرز و بوم داشتند، مؤلف را سخت می‌آزارد و به گونه‌ای که با بیان و بنان به یاری جوانان پاکدل - که ایام آل محمد علیهم‌السلام نامیده شده‌اند - می‌شتابد. وی می‌گوید:

«از دو جهت ناراحت بودم و نمی‌توانستم آرام بگیرم و ناظر این صحنه باز بگری و اعمال زشت و دروغ‌ها و تهمت‌های بی‌جا گردم؛ یکی دیدم اگر سکوت کنم و... مورد لعنت خدای متعال واقع خواهم شد که در حدیث است: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ قَلْبُ الْعَالِمِ أَنْ يَظْهَرَ عَلَيْهِ» و إِذَا كَتَمَ فَعَلِيهِ لَعْنَةُ اللَّهِ».

جهت ثانی متام سیادت بود که غیرت هاشمیّت و جوش سیادت، درونم را می‌گداخت. البته تا آن جا که وظیفه داشتم،

شب‌های پیشاور

سلطان الواعظین شیرازی

در منابر بزرگ و مجالس مهم در حل شبهات و تثبیت عقاید و در رفع اباطیل آن‌ها کوشیدم... ولی خیلی میل داشتم مستقلاً کتابی بر ردّ دروغ‌پردازی‌های آن‌ها بنویسم، متأسفانه گرفتار کسالت ممتدی گردیدم، و سالی را در بیمارستان‌ها بسر بردم و قوای خود را از دست دادم. پزشکان هم دستور استراحت کامل و ترک گفتار و نوشتار دادند. روزی در بستر بیماری پس از فکر بسیار متوجه شدم، شاید خلاصه جواب شبهه‌ها در مجلات و روزنامه‌هایی که مناظرات شب‌های پیشاور را منتشر کرده‌اند، باشد. بهتر آن دیدم که این نوشته‌ها را چاپ کنم که به شکل همین کتاب عرضه شده است.

یکی از مزایای این کتاب، استناد به اخبار مورد قبول اهل سنت و از

کتاب‌های معتبر آن‌ها است.

این کتاب، برای مبلغان درس‌آموز است. بالاخص اینکه نویسنده در پاسخ سؤالات مطرح شده، تنها از قرآن کریم و منابع معتبر اهل سنت کمک می‌گیرد و به ندرت به منابع شیعه نظر دارد.

نویسنده در ابتدای کتاب این تذکر را بیان کرده است که: «چون نشر این کتاب برای فهمیدن و درک حقایق و قضاوت به حق نمودن است، لازم است با دقت و توجه کامل از اول تا آخر آن مطالعه شود. زیرا مطالب آن مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل است. هر فردی که با نظر انصاف این کتاب را مطالعه نماید، گذشته از آن که بیدار می‌گردد، شبهات بسیاری برای او حل می‌شود و در مقابل تشکیکات واهی قدرت پاسخگویی می‌یابد.»

عمده مطالب این اثر ظهور حقیقت ولایت و جلوۀ مقام امامت است. ولی از آنجا که بحث طرفینی می‌باشد، سؤالاتی خارج از بحث ولایت و امامت نیز مطرح گشته است که خود حائز اهمیت است، اما به لحاظ اهمیت بحث ولایت و امامت این دو را مقدم می‌داریم.

نمونه‌ها

در پاسخ اشکالی که به مذهب شیعه می‌شود و آن را منسوب به یک نفر یهودی و بعد از خلافت عثمان می‌دانند، بیانات شیرین و مستدل نویسنده، هر جوینده

حقیقت را به وجد می‌آورد.

ایشان ابتدا، معنای لغوی شیعه را بیان می‌کند به این که در قاموس اللغة فیروزآبادی در این مورد گفته شده است که: «و قد غلب هذا الاسم علی من یتولی علیاً و اهلبیته حتی صار اسماً لهم خاصاً»، بعد به آیه‌ای از قرآن استدلال می‌کند و شأن نزول آیه را که در مورد حضرت علی و شیعیان اوست، از کتب معتبر اهل سنت نقل می‌نماید.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة﴾...

۱- حافظ ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبد الله - صاحب کتاب ده جلدی (حلیة الاولیاء) که از مفاخر اهل سنت، و مورد وثوق ایشان است - از ابن عباس روایت می‌کند، چون این آیه نازل شد، رسول خدا خطاب به علی بن ابی طالب فرمود: «یا علی هو، انت و شیعتک تأتئی انت و شیعتک یوم القیامة راضین مرضیین.»

۲- جلال الدین سیولی از ابوالقاسم علی بن الحسن، معروف به ابن عساکر دمشقی - که محل وثوق علمای اهل سنت است - از جابر بن عبد الله - که از کبار صحابه پیامبر ﷺ بوده است - نقل می‌نماید که گفت: «در خدمت رسول خدا ﷺ بودیم که علی بن ابی طالب ﷺ وارد شد، پیامبر ﷺ فرمود: والذی





نفسی بیده ان هذا و شيعته لهم الفائزون
يوم القيامة فنزل ان الذين آمنوا و
عملوا الصالحات اولئك هم خير
البرية»

در صلوات بر محمد و آل محمد
اشکال می‌کنند که صلوات خاص پیامبر
است و آل او مشمول آن نیستند.

در منابع معتبر اهل سنت از جمله
صحیح بخاری، ج ۳ و صحیح مسلم ج ۱
و سلیمان بلخی حنفی در ینابیع الموده
و ابن حجر در صواعق از کعب بن عجزه
نقل می‌کنند که چون آیه «ان الله و
ملائکته يصلون علی النبی.....» نازل

گردید عرض کردیم: «یا رسول الله:
طریقه سلام را دانستیم اما کیف نصلی
علیک؟» در جواب فرمودند: بگوئید:

«اللهم صل علی محمد و آل محمد.» در
روایات دیگر آمده «کما صلیت علی
ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید.»

این که علی علیه السلام فاروق بین حق و
باطل است، خود دلیل بر ابطال خلافت
خلفاء ثلاث است، زیرا که پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمود: «ستکون من بعدی فتنة فاذا کان
ذلک فالزموا علی بن ابیطالب انه اول
من یرانی و اول من یصافحنی يوم

القیامة و هو معی فی السماء العلیا و
هو الفاروق بین الحق و الباطل.»

و همچنین به سند از بزرگان اهل
سنت: محمد بن طلحه شافعی در

مطالب السؤل، طبری در کبیر، بیهقی
در سنن و ابن ابی الحدید در شرح نهج
البلاغه از ابن عباس، سلمان، ابی ذر و

حذیفه نقل می‌نمایند که رسول
اکرم صلی الله علیه و آله با دست اشاره به علی بن ابی
طالب نمود و فرمود: «ان هذا اول من

آمن بی و اول من یصافحنی يوم
القیامة و هذا الصدیق الاکبر و هذا
فاروق هذه الامة یفرق بین الحق و

الباطل»

و باز هم به اسناد معتبر از اهل سنت
که پیامبر فرمود: «علی مع الحق و الحق
مع علی یدور حیث دار» و ایضاً - «علی

مع الحق و الحق مع علی یمیل مع
الحق کیف مال»

و نیز فرمود: «یا معشر الانصار الا
ادکم علی ما ان تمسکتکم به لن تضلوا
بعده ابدأ قالوا بلی یا رسول الله قال

هذا علی فاحبوه بحبی و اکرموه
بکرامتی فان جبرئیل امرنی بالذی قلت
لکم من الله عز و جل»